

معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی راهبردی

تحلیلی راهبردی اولین پیام

حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای

تحلیل راهبردی اولین پیام

حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای

معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی راهبردی

۱۴۰۴/۱۲/۲۲

فهرست مطالب

مقدمه؛ پیام در بستر تاریخ: طلیعه‌دار یک دوران جدید ۴

چکیده مدیریتی ۵

متن پیام ۶

فصل اول: تحلیل محتوایی و راهبردی پیام (بررسی بخش‌های هفت‌گانه) ۱۰

۱-۱. بُعد نظامی و امنیتی: بازدارندگی فعال و مدیریت هوشمندانه جنگ ۱۰

الف) تداوم دفاع پشیمان‌کننده و اهرم تنگه هرمز ۱۰

ب) گشودن جبهه‌های جدید و غافلگیری راهبردی ۱۰

ج) وعده صادقانه انتقام و پیوند آن با خون شهدا ۱۱

۱-۲. بُعد انسانی و اجتماعی: پشتیبانی مردمی و مدیریت بحران ۱۱

الف) توجه به مردم، جانبازان و خسارت‌دیدگان ۱۱

ب) خطاب به دشمن: منطق قاطع حقوقی و اقتصادی ۱۱

۱-۳. بُعد فرهنگی-عاطفی: گذار از سوگ به عهد ۱۲

۱-۴. بُعد سیاسی و حاکمیتی: ثبات، مشروعیت و تداوم ۱۲

فصل دوم: تحلیل آماری و محتوایی متن پیام ۱۳

۲-۱. تحلیل کمی ۱۳

۲-۲. ساختار، محتوا و سبک ۱۴

فصل سوم: بازتاب‌های پیام در سطوح مختلف ۱۶

۳-۱. بازتاب در بازارهای جهانی و اقتصاد بین‌الملل ۱۶

۳-۲. بازتاب در عرصه اجتماعی و فرهنگی ایران ۱۶

الف) احیای ارزش‌های دهه شصت ۱۶

ب) کنش‌گری معناگرایانه در برابر عقل عافیت‌طلب ۱۷

۳-۳. بازتاب در عرصه دیپلماسی و روابط منطقه‌ای ۱۷

الف) دکترین «تأدیب بدون تصادم» ۱۷

ب) گسل دولت-ملت ۱۷

۳-۴ بازتاب نخستین پیام رهبری در رسانه‌های مطرح دنیا ۱۸

فصل چهارم: هفت سرمایه اجتماعی (خوانشی مردم‌بنیاد از پیام) ۱۹

فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی (تحلیل جامع اختصاصی) ۲۰

۱. تداوم راهبردی با تکیه بر سه رکن اساسی ۲۰

۲. موضع قدرت جبهه مقاومت ۲۰
۳. مهندسی عاطفی و اجتماعی هوشمندانه ۲۰
۴. دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در سطح منطقه ۲۱
۵. مردم‌بنیانی به‌عنوان هسته سخت قدرت ۲۱
۶. صلابت در کنار عقلانیت و مصلحت‌سنجی ۲۱
سخن پایانی ۲۱

مقدمه؛ پیام در بستر تاریخ: طلیعه‌دار یک دوران جدید

در روزهایی که آسمان ایران غرق در غبار نبرد «جنگ رمضان» بود و دل‌ها در سوگ رهبری شهید و صدها شهروند بی‌گناه می‌تپید، نخستین پیام رسمی رهبر جدید انقلاب اسلامی مانند طلیعه‌ای در افق ظاهر شد. این پیام را نه می‌توان یک بیانیه سیاسی صرف دانست و نه یک سخنرانی معمولی؛ بلکه این متن، در حقیقت «مانیفست گذار» از یک دوران تاریخی در جمهوری اسلامی ایران در میانه جنگ ترکیبی به دوران دیگر است.

شرایط صدور این پیام کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر بود: کشور در میانه یک جنگ منطقه‌ای تمام‌عیار قرار داشت که ماهیتی وجودی و هویتی(جنگ خیر و شر، حق و باطل، ایمان و کفر) به خود گرفته بود. رهبر محبوب و تأثیرگذاری که چهار دهه سکاندار انقلاب بود، به شهادت رسیده بود. صدها شهروند نیز در این مسیر شهید شده بودند. در چنین فضایی، همه چشم‌ها به سوی رهبر جدید دوخته شده بود تا ببینند اندیشه‌ها، رویکردها و راهبردهای او چیست و همه در فکر این بودند که با شهادت قائد امت اسلام چه خواهد شد؟

پاسخ در متنی آمد که سرشار از ادبیات فاخر، زبانی صریح، گفتمانی انقلابی و استحکامی مثال‌زدنی بود. این پیام، تصویری روشن از استراتژی کلان نظام در قبال تحولات منطقه، تهدیدات دشمنان، و چگونگی مدیریت بحران‌های پیش رو ترسیم نمود.

آنچه در این تحلیل می‌آید، حاصل مطالعه و واکاوی عمیق این پیام تاریخی است. تلاش شده تا با رویکردی چندبعدی و جامع، لایه‌های مختلف این متن ارزشمند شکافته شود؛ از تحلیل محتوایی و راهبردی بخش‌های مختلف آن، تا بررسی آماری واژگان کلیدی، و از بازتاب‌های آن در بازارهای جهانی و عرصه اجتماعی ایران، تا خوانشی نوین از سرمایه‌های نمادینی که این پیام برای جامعه به ارمغان آورد.

هدف آن است که نشان دهیم این پیام، فراتر از یک واکنش موقعیتی، یک «راهبرد جامع» و «نقشه راه» برای سال‌های آینده است؛ راهبردی که ترکیبی از اقتدار، دیپلماسی هوشمندانه، وفای به عهد و توجه عمیق به مردم را در خود دارد. درک این پیام، درک منطق حاکم بر یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران و خاورمیانه است.

چکیده مدیریتی

این محتوا به تحلیل نخستین پیام رهبر جدید انقلاب اسلامی می‌پردازد؛ پیامی که در شرایط جنگی و پس از شهادت قائد امت حضرت امام خامنه‌ای و در آستانه‌ی روز جهانی قدس صادر شد. تحلیل حاضر نشان می‌دهد که این متن فراتر از یک بیانیه معمولی، یک «مانیفست راهبردی» در یکی از حساسترین مقاطع تاریخ معاصر ایران است.

یافته‌های کلیدی

- **مردم‌بنیانی:** واژه «مردم» با ۲۸ بار تکرار، پربسامدترین واژه پیام است که محوریت ملت در گفتمان جدید را اثبات می‌کند.
- **بازدارندگی فعال:** تأکید بر اهرم تنگه هرمز و گشودن جبهه‌های جدید، نشان‌دهنده راهبردی تهاجمی-تدافعی برای تغییر معادلات قدرت است.
- **بازتاب جهانی:** پیام موجب جهش ۹ درصدی قیمت نفت و سقوط بورس‌های جهانی شد که حاکی از تأثیرگذاری ژئوپلیتیکی آن است.
- **پیام راهبردی:** خط، همان خط امام و رهبری است و صلابت، همان صلابت؛ که می‌تواند موازنه قدرت در غرب آسیا را به نفع جبهه حق تغییر دهد.

متن پیام

اولین پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظّم انقلاب اسلامی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

مَا نَنسَخ مِن آیَةٍ اَو نُنسِها نَأتِ بِخَیرٍ مِنها اَو مِثلِها.

اَلسَّلامُ‌عَلَیکَ یا داعِیَ اللّهِ وَ رَبّانِیَّ آیاتِهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا بابَ اللّهِ وَ دَیّانَ دینِهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خَلیفَةَ اللّهِ و ناصِرَ حَقِّهِ اَلسَّلامُ عَلیکَ یا حُجَّةَ اللّهِ وَ دَلیلَ اِرادَتِه اَلسَّلامُ عَلَیکَ اَیُّهَا المُقَدَّمُ المَأمول اَلسَّلامُ عَلَیکَ بِجَوامِعِ السَّلام. اَلسَّلامُ‌عَلَیکَ یا مَولایَ صاحِبَ الزَّمان.

در آغاز کلام باید به سرورم (عجّل اللّه تعالی فرجه) به مناسبت شهادت جانسوز رهبر عظیم‌الشّأن انقلاب، خامنه‌ای عزیز حکیم تسلیت عرض کنم و از آن حضرت دعای خیر برای یکایک ملّت بزرگ ایران و بلکه همه‌ی مسلمین جهان و همه‌ی خدمتگزاران اسلام و انقلاب و ایثارگران و بازماندگان شهدای نهضت اسلامی و بخصوص جنگ اخیر و برای خود حقیرم را تقاضا نمایم.

قسمت دوّم کلام من، با ملّت بزرگ ایران است. ابتدائاً باید وضع و موقف خود در باب رأی مجلس محترم خبرگان را مختصراً بیان نمایم. این خادم شما سیّدمجتبی حسینی خامنه‌ای همزمان با شما و از طریق سیمای جمهوری اسلامی از نتیجه‌ی رأی مجلس محترم خبرگان مطّلع شدم. برای بنده تکیه زدن بر جایی که محلّ جلوس دو پیشوای عظیم‌الشّأن، خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید بوده، کاری سخت است؛ زیرا این کرسی سابقه‌ی جلوس کسی را دارا است که بعد از بیش از شصت سال مجاهدت در راه خدا و گذشتن از انواع لذایذ و راحتی‌ها، به گوهری تابناک و چهره‌ای ممتاز، نه‌فقط در عصر حاضر، بلکه در طول تاریخ حکمرانان این کشور بدل شده است. هم حیات و هم نوع مرگ او عجین با شُکوه و عزّتی ناشی از تکیه به حق بود.

من این توفیق را داشتم که پیکر ایشان را بعد از شهادت زیارت کنم؛ آنچه دیدم کوهی از صلابت بود؛ و شنیدم که مشت دست سالمش را گره کرده بود. در مورد وجوه مختلف شخصیّت ایشان اهل اطّلاع باید مدّتها چیزها بگویند. در این مجال اکتفا به همین مجمل نموده، تفاصیل را واگذار به موقعیّتهای مناسب دیگری میکنم. این است علّت سختیِ تکیه بر کرسی رهبری بعد از چنین کسی. تتمیم این فاصله تنها با استعانت از حضرت حق و یاری شما مردم ممکن است.

در ادامه لازم است نکته‌ای را که ربط مستقیمی به اصل کلام بنده دارد، مورد تأکید قرار دهم؛ آن نکته این است که از جمله هنرهای رهبر شهید و سَلف کبیر ایشان، وارد کردن مردم در همه‌ی عرصه‌ها و بصیرت و آگاهی دادن مستمر به ایشان، و در مقام عمل تکیه بر نیروی آنان بود. ایشان این‌طور معنای حقیقی جمهور و جمهوریّت را فعلیّت بخشیدند و از عمق جان هم به آن معتقد بودند. اثر واضح این مطلب در این چند روزی که کشور بدون رهبر و بدون فرمانده کلّ قوا بود، دیده شد. بصیرت و هوشمندی ملّت بزرگ ایران در واقعه‌ی اخیر و پایمردی و شجاعت و حضورش، دوست را به تحسین و دشمن را به حیرت واداشت. این شما مردم بودید که کشور را رهبری و اقتدار آن را ضمانت کردید.

آیه‌ای که در صدر این نوشتار آوردم، به این معنی است که هیچ آیتی از آیات الهی نیست که یا مهلتش تمام شود یا به فراموشی سپرده شود، مگر اینکه از ناحیه‌ی حضرت حق(جلّ و علا)، مثل یا برتر از آن به جایش داده شود. مناسبتِ استفاده از این آیه‌ی شریفه این نیست که این بنده در حدّ رهبر شهید باشم؛ چه رسد به اینکه بخواهم برتر از ایشان فرض شوم؛ بلکه جهت ذکر آیه‌ی مبارکه، توجّه دادن به نقش بجا و پُررنگ شما ملّت عزیز است. اگر آن نعمت عظمی از ما سلب شد، به جایش بار دیگر حضور عمّارگونه‌ی ملّت ایران به این نظام اعطا گشت. این را بدانید: اگر قدرت شما در صحنه ظاهر نشود، نه رهبری و نه هیچ یک از دستگاه‌های مختلف که شأن واقعی آنها خدمت به مردم است، کارایی لازم را نخواهند داشت.

برای اینکه این معنا بهتر صورت تحقّق پیدا کند، اوّلاً باید به یاد خداوند تبارک و تعالی و توکّل بر حضرتشان و توسّل به انوار طیّبه‌ی معصومین (صلوات اللّه علیهم اجمعین)، چون اکسیر اعظم و کبریت احمری نگریسته شود که تضمین‌کننده‌ی انواع گشایشها و ظفر قطعی بر دشمن است. این مزیّت عظیمی است که شما واجد آن و دشمنانتان فاقد آن هستند.

ثانیاً؛ باید بر وحدت بین آحاد و اقشار ملّت که معمولاً در مواقع مضیقه نمود خاصّی پیدا میکند، خدشه‌ای وارد نشود. این امر با صرف‌نظر کردن از نقاط مورد اختلاف تحصیل خواهد شد.

ثالثاً؛ باید حضور مؤثّر در صحنه حفظ شود؛ چه به صورتی که در این روزها و شبهای جنگ از خود نشان دادید، و چه به صورت انواع نقش‌آفرینی‌های مؤثّر در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، تربیتی، فرهنگی و حتّی امنیّتی. مهم این است که نقش صحیح، بدون خدشه به وحدت اجتماعی، بخوبی درک و تا حدّ ممکن به اجرا گذاشته شود. یکی از وظایف رهبری و بعضی مسئولین دیگر گوشزد کردن بعضی از این نقشها به آحاد یا اقشار جامعه است. از این رو اهمّیّت حضور در مراسم روز قدس ۱۴۴۷ را یادآور میشوم که باید عنصر دشمن‌شکنی در آن مورد توجّه همگان باشد.

رابعاً؛ از کمک و یاری به یکدیگر فروگذار نکنید. بحمداللّه خصلت همیشگی بیشتر ایرانیان جز این نبوده و انتظار میرود که در این روزهای خاص که طبعاً بر بعضی از آحاد ملّت سخت‌تر از بقیّه میگذرد، این مطلب جلوه‌ی بیشتری داشته باشد. در همین مجال از دستگاه‌های خدماتی میخواهم که در این جهت از هر گونه یاری و اعانت به آن آحاد عزیز ملّت و به ساختارهای مردمی امدادی دریغ ننمایند.

اگر این جهات مراعات شود، راه وصول شما ملّت عزیز به روزهای عظمت و شکوه هموار خواهد بود. نزدیک‌ترین مصداق آن میتواند باذن‌اللّه ظفر بر دشمن در جنگ فعلی باشد.

قسمت سوّم کلام بنده، تشکّر صمیمانه از رزمندگان شجاعمان است که در شرایطی که ملّت و وطن عزیزمان به طور مظلومانه‌ای مورد تهاجم رئوس جبهه‌ی استکبار قرار گرفته، با ضربات کوبنده‌ی خود راه دشمن را سد کرده‌اند و آنان را از توهّم امکان تسلّط بر میهن عزیز و احیاناً تجزیه‌ی آن خارج نموده‌اند. برادران عزیز رزمنده! خواست توده‌های مردم، ادامه‌ی دفاع مؤثّر و پشیمان‌کننده است. همچنین قطعاً همچنان از اهرم مسدود کردن تنگه‌ی هرمز باید استفاده شود. در مورد گشودن جبهه‌های دیگری که دشمن در آن تجربه‌ی ناچیزی دارد و بشدّت در آن آسیب‌پذیر خواهد بود، مطالعاتی صورت گرفته است و فعّال‌سازی آن در صورت استمرار وضع جنگی و بنا بر رعایت مصالح صورت خواهد گرفت.

همچنین از رزمندگان جبهه‌ی مقاومت تشکّر صمیمانه دارم. ما، کشورهای جبهه‌ی مقاومت را بهترین دوستان خود میدانیم و امر مقاومت و جبهه‌ی مقاومت، جزئی جدایی‌ناپذیر از ارزشهای انقلاب اسلامی است. بی‌تردید همراهی اجزای این جبهه با یکدیگر، مسیر تخلّص از فتنه‌ی صهیونی را کوتاه‌تر مینماید؛ همچنان که دیدیم یمن شجاع و مؤمن، دست از دفاع از مردم مظلوم غزّه برنداشت و حزب‌اللّه فداکار علی‌رغم همه‌ی موانع به یاری جمهوری اسلامی آمده است و مقاومت عراق هم دلیرانه همین خط را در پیش گرفته است.

در قسمت چهارم، روی سخن بنده با کسانی است که در این چند روز به نوعی آسیب دیده‌اند؛ چه آنان که داغ شهادت عزیز یا عزیزانی را تجربه کرده باشند؛ چه کسانی که دچار مجروحیّت شده باشند، و چه افرادی که به خانه و کاشانه یا محلّ کسب و کارشان صدمه وارد شده باشد. در این قسمت اوّلاً همدردی عمیق خود را با بازماندگان شهدای والامقام اعلام میدارم. این بر اساس تجربه‌ی مشترکی است که من با این بزرگواران دارم؛ به غیر از پدرم که داغ فقدان حضرتش امری عمومی شده، همسر عزیز و باوفایم را که امیدها به ایشان داشتم، و خواهر فداکارم که خود را وقف خدمت به والدینش کرده بود و عاقبت مزد خود را گرفت و همچنین طفل خردسالش را، و همسر خواهر دیگرم را که انسانی عالِم و شریف بود، به کاروان شهدا سپرده‌ام. امّا آنچه صبر بر مصائب را ممکن و حتّی آسان میسازد، توجّه به وعده‌ی حتمی و قطعی الهی بر اجری پُرارج برای صابران است. لذا باید صبر کرد و به لطف و دستگیری حضرت حق (جلّ و علا) امید و اعتماد داشت.

ثانیاً این اطمینان را به همگان میدهم که ما از انتقام خون شهدای شما صرف‌نظر نخواهیم کرد. انتقامی که در نظر داریم، فقط مربوط به شهادت رهبر عظیم‌الشّأن انقلاب نیست؛ بلکه هر عضوی از ملّت که توسّط دشمن شهید میشود، خود موضوع مستقلّی برای پرونده‌ی انتقام است. البتّه مقدار محدودی از این انتقام تابه‌حال صورت عینی پیدا کرده است، ولی تا حدّ کامل آن حاصل نشود، همچنان این پرونده بر روی بقیّه‌ی پرونده‌ها خواهد بود و بخصوص نسبت به خون اطفال و کودکانمان حسّاسیّت بیشتری خواهیم داشت. لذا جنایتی که دشمن به طور عامدانه در مورد مدرسه‌ی شجره‌ی طیّبه‌ی میناب و بعضی موارد مشابه مرتکب شده، شأن خاصّی در این رسیدگی دارد.

ثالثاً حتماً جانبازان این حملات باید خدمات درمانی مناسبی را به طور رایگان دریافت نموده و از بعضی مزایای دیگر بهره‌مند گردند.

رابعاً تا جایی که وضع فعلی اجازه دهد، باید برای جبران خسارتهای مالیِ واردآمده به امکنه و اموال شخصی، اقدامات کافی تعریف شده و مورد اجرا واقع شود. دو مورد اخیر به منزله‌ی تکلیفی لازم‌الاجرا برای مسئولین محترم است که باید آن را اجرا کرده و گزارش آن را به بنده بدهند.

نکته‌ای که باید گوشزد نمایم، این است که به هر صورت، ما از دشمن غرامت خواهیم گرفت و اگر امتناع کند، به اندازه‌ای که تشخیص بدهیم، از اموالش برخواهیم داشت و اگر آن هم مقدور نباشد، به همان اندازه از اموالش را نابود خواهیم کرد.

قسمت پنجم کلام، خطاب به سران و رده‌های مؤثّر در بعضی از کشورهای منطقه است. ما با پانزده کشور همسایگی خاکی یا آبی داریم و همیشه مایل به ارتباط گرم و سازنده با همه‌ی آنان بوده‌ایم و هستیم، لکن دشمن از سالها قبل بتدریج پایگاه‌هایی اعمّ از نظامی و مالی را در بعضی از این کشورها احداث کرده تا تسلّط خود بر منطقه را تأمین نماید. در هجوم

اخیر، بعضی از پایگاه‌های نظامی مورد استفاده قرار گرفت که طبعاً ما همان‌طور که هشدار صریح داده بودیم و بدون اینکه تعرّضی به آن کشورها صورت دهیم، صرفاً همان پایگاه‌ها را مورد حمله قرار داده‌ایم. از این پس باز هم بناچار این کار را ادامه خواهیم داد؛ گرچه همچنان معتقد به لزوم دوستی بین خود و آن همسایگانمان میباشیم. این کشورها باید تکلیف خود را با متجاوزین به وطن عزیزمان و قاتلین آحاد مردم ما معلوم کنند. من توصیه میکنم هر چه زودتر آن پایگاه‌ها را تعطیل کنند؛ چون لابد تابه‌حال فهمیده‌اند که ادّعای برقراری امنیّت و صلح از سوی آمریکا دروغی بیش نبوده است. این امر باعث میشود تا با ملّتهای خودشان که عموماً از همراهی با جبهه‌ی کفر و رفتار تحقیرآمیز آن ناراضی هستند، پیوند بیشتری پیدا کرده و بر ثروت و قدرتشان افزوده شود. باز تکرار میکنم نظام جمهوری اسلامی بدون اینکه بخواهد سلطه و استعماری را در منطقه راه بیندازد، برای اتّحاد و رابطه‌ی متقابل گرم و صمیمانه با همه‌ی همسایگان آمادگی کامل دارد.

در قسمت ششم کلام، روی سخنم با رهبر شهیدمان است. رهبرا! با رفتن خود داغ سنگینی بر قلوب همگان وارد کردید. شما همیشه مشتاق این عاقبت بودید تا بالاخره حضرت حق آن را در حال تلاوت قرآن کریم در صبحگاه روز دهم رمضان‌المبارک به شما اعطا فرمودند. مظلومیّتهای زیادی را مقتدرانه و با حلم تحمّل کردید و خم به ابرو نیاوردید. بسیاری قدر واقعی شما را نشناختند و شاید مدّتها بگذرد تا انواع حجابها و موانع کنار رود و زوایایی از آن معلوم شود. امیدواریم از قِبَل مقام قربی که در جوار انوار طیّبه و صدّیقین و شهدا و اولیا برایتان فراهم گشته، باز هم به فکر پیشرفت این ملّت و همه‌ی ملّتهای جبهه‌ی مقاومت بوده باشید و برای آن وساطت نمایید؛ همچنان که در حیات دنیوی خود چنین بودید. ما با شما عهد میبندیم که برای اعتلای این پرچم که پرچم اصلی جبهه‌ی حق است و برای وصول به مقاصد مقدّس جنابتان با تمام وجود تلاش کنیم.

در قسمت هفتم از همه‌ی بزرگوارانی که بنده را مورد حمایت خود قرار داده‌اند، از جمله مراجع عظام تقلید و شخصیّت‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و از آحاد مردم که در تجمّعات پُرشکوهی برای ابراز بیعت مجدّد با نظام حاضر شده‌اند و همچنین از مسئولین قوای ثلاثه و شورای موقّت رهبری به خاطر حُسن تدابیر و اقدامات، تشکّر مینمایم.

امیدوارم الطاف خاصّه‌ی الهیّه در این ساعات و ایّام پُرفیض شامل همه‌ی ملّت ایران و بلکه همه‌ی مسلمین و مستضعفین عالم شود.

و در نهایت از سرورمان (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) تقاضا میکنم در این باقیمانده‌ی از مدّت لیالی و ایّام قدر و ماه مبارک رمضان از درگاه حضرت حق (جلّ و علا) برای ملّت ما غلبه‌ی قاطع بر دشمن و همچنین عزّت و وسعت و عافیت، و برای رفتگانشان مقامات و عافیت اخروی را طلب نمایند.

والسّلام علیکم و رحمةُاللّه و برکاته و تحیّاته

سیّدمجتبی حسینی خامنه‌ای

۲۱ اسفند ۱۴۰۴ مطابق با

۲۲ رمضان‌المبارک ۱۴۴۷

فصل اول: تحلیل محتوایی و راهبردی پیام (بررسی بخش‌های هفت‌گانه)

۱-۱. بُعد نظامی و امنیتی: بازدارندگی فعال و مدیریت هوشمندانه جنگ

الف) تداوم دفاع پشیمان‌کننده و اهرم تنگه هرمز

مقام معظم رهبری با تأکید بر خواست توده‌های مردم برای ادامه دفاع، این پیام را منتقل می‌کند که راه مقاومت یک انتخاب مقطعی و تاکتیکی نیست، بلکه یک اصل مستمر و برگرفته از اراده عمومی است. در این میان، اشاره به ظرفیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز، فراتر از یک لفاظی سیاسی، یک هشدار راهبردی به دشمنان (به‌ویژه غرب و رژیم صهیونیستی) محسوب می‌شود. این بدان معناست که جمهوری اسلامی ایران در صورت تداوم تهدید یا تجاوز، از ابزارهای ژئوپلیتیکی خود برای برهم زدن معادلات اقتصادی و امنیتی دشمن استفاده خواهد کرد. این همان «دفاع فعال» در برابر تهدیدات است. بسته ماندن هوشمندانه تنگه هرمز، به‌گونه‌ای که کشتی‌های کشورهای دوست اجازه عبور داشته باشند، نمونه‌ای از هنر مدیریت جنگ و اعمال فشار حساب‌شده بر اقتصاد جهانی برای مهار ماشین جنگی دشمن است.

ب) گشودن جبهه‌های جدید و غافلگیری راهبردی

این بخش از پیام، بیانگر ابتکار عمل و نوآوری در صحنه نبرد است. تأکید بر اینکه دشمن در جبهه‌های جدید تجربه ندارد و آسیب‌پذیر است، نشان‌دهنده اطلاعات دقیق از نقاط ضعف دشمن و طراحی سناریوهای متعدد برای مقابله با اوست. عبارت «بنا بر رعایت مصالح» کلیدی است؛ بدین معنا که این گزینه‌ها همیشه روی میز است و در زمان مقتضی و با محاسبه دقیق منافع ملی فعال خواهد شد. این رویکرد، دشمن را در ابهام و اضطراب دائمی نگه می‌دارد، چرا که «نمی‌داند ضربه بعدی از کجا خواهد خورد». یکی از مهمترین هنرهای ایرانیان در این جنگ، کنترل سطح تنش توسط ایران بوده است. ایران است که میزان و سطح تنش را تعریف می‌کند و هر جا دشمن تنش را افزایش دهد (مثل زدن زیرساخت‌ها)، ایران در همان سطح پاسخ می‌دهد. عصبانیت دشمن در روزهای آینده نیز برای در دست گرفتن دوباره ابتکار عمل در جنگ خواهد بود.

ج) وعده صادقانه انتقام و پیوند آن با خون شهدا

نکته بسیار مهم در این بخش، خارج کردن مسئله انتقام از حالت تشریفاتی و محدود به یک شخصیت است. تأکید می‌کند که خون هر شهروند ایرانی به اندازه خون یک رهبر ارزش دارد و پرونده انتقام برای هر شهید به‌طور مستقل باز است. این بالاترین سطح احترام به حقوق شهروندی و پشتیبانی از ملت است. تعبیر «صرف نظر نخواهیم کرد» نشان می‌دهد که انتقام یک شعار نیست، بلکه یک هدف قطعی، عملیاتی و غیرقابل انصراف است.

۱-۲. بُعد انسانی و اجتماعی: پشتیبانی مردمی و مدیریت بحران

الف) توجه به مردم، جانبازان و خسارت‌دیدگان

این بخش، بُعد مردمی و جهادی مدیریت بحران را به‌وضوح نشان می‌دهد. تأکید بر درمان رایگان مجروحین، نشان از قدردانی از ایثارگران دارد و پشتوانه اجتماعی مقاومت را تقویت می‌کند. همچنین دستور اکید به مسئولین برای جبران خسارت‌های وارد شده به مردم، یک تکلیف شرعی و قانونی است که نشان می‌دهد نظام در کنار مردم در سختی‌هاست و اجازه نمی‌دهد آسیب‌های مالی ناشی از جنگ، زندگی مردم را مختل کند. تأکید بر دریافت گزارش از مسئولین، نشان از پیگیری جدی و نظارت عالی بر حسن اجرای این امور دارد.

ب) خطاب به دشمن: منطق قاطع حقوقی و اقتصادی

پیام در برابر متجاوز، یک سلسله مراتب عقلانی و کاملاً بازدارنده ترسیم می‌کند: اول دریافت غرامت، در صورت امتناع دشمن، تصرف اموال، و در غیر این صورت، نابودی اموال دشمن. این یک منطق کاملاً عقلایی و حقوقی است. تأکید بر «به اندازه‌ای که تشخیص بدهیم»، نشان‌دهنده محاسبه دقیق و پرهیز از اقدامات هیجانی و نامتناسب است که می‌تواند جنگ را به سمتوسوی غیرقابل کنترلی سوق دهد.

۱-۳. بُعد فرهنگی-عاطفی: گذار از سوگ به عهد

یکی از ظریف‌ترین و خلاقانه‌ترین بخش‌های پیام، نحوه مواجهه با واقعه شهادت رهبر پیشین است. توصیف شهادت قائد امت در حال تلاوت قرآن در صبحگاه رمضان، این واقعه را به شهادت امام علی(ع) پیوند می‌زند و آن را از یک حادثه تلخ و ناگوار به یک حماسه قدسی و عاشورایی تبدیل می‌کند. تعبیر «کنار رفتن حجاب‌ها» برای شناخت ابعاد شخصیتی رهبر شهید، نویدبخش آن است که اندیشه‌ها و میراث فکری او تازه پس از شهادت شکوفا خواهد شد. مهم‌تر از همه، تبدیل «داغ سنگین» به «تلاش برای اعتلای پرچم»، یک استراتژی دقیق روان‌شناختی و اجتماعی برای تبدیل اندوه به انرژی مضاعف برای حرکت رو به جلو و دفاع از اقتدار و عزت کشور است.

۱-۴. بُعد سیاسی و حاکمیتی: ثبات، مشروعیت و تداوم

در بخش‌هایی از پیام که به نام بردن از مراجع تقلید، مسئولین عالی‌رتبه سه قوه و شورای موقت رهبری اختصاص دارد، یک پیام روشن به داخل و خارج مخابره می‌شود: ثبات ساختاری و عبور موفقیت‌آمیز نظام از بحران‌هایی که دشمنان و معاندین ایجاد کرده‌اند و تأکید بر بیعت مردم و حمایت نخبگان، نشان‌دهنده مشروعیت گسترده و انسجام داخلی است. انتساب این پیروزی و تثبیت به «وساطت رهبر شهید» و «عنایت حضرت ولی‌عصر (عج)»، نشان‌دهنده استمرار مدل «رهبری الهی-کاریزماتیک» است که در آن رهبر ادامه‌دهنده راه سلف صالح است.

فصل دوم: تحلیل آماری و محتوایی متن پیام

۲-۱. تحلیل کمی

متن پیام از نظر ادبی و زبانی نیز حائز اهمیت فراوان است. تحلیل آماری واژگان به‌کار رفته در این پیام (حدود ۱۷۰۰ کلمه در ۹۰ جمله) نشان‌دهنده تنوع واژگانی نسبتاً بالایی است. پربسامدترین واژگان متن به ترتیب عبارتند از:

۱- مردم/ملت: ۲۸ بار تکرار

۲- دشمن: ۱۶ بار تکرار

۳- شهید/شهادت: ۱۴ بار تکرار

۴- رهبر: ۱۲ بار

۵- انقلاب: ۱۱ بار

۶- اسلام: ۱۰ بار

با یک بررسی سریع از متن پیام، پرتکرارترین واژه‌ای که به کار رفته، «مردم» و مشتقات آن (مانند «ملت») است. این واژه ده‌ها بار در سراسر پیام تکرار شده و محور اصلی گفتمان رهبر جدید را تشکیل می‌دهد.

پس از آن، واژه‌های «دشمن»، «رهبر» (اشاره به رهبر شهید) و «خدا/حق» بیشترین بسامد را دارند. اما «مردم» و «ملت» پربسامدترین مفهوم این پیام هستند که نشان‌دهنده نقش محوری آن‌ها در مشروعیت‌سازی و استمرار نظام از نگاه رهبر جدید است.

این آمار، معنای روشنی در رویکرد محتوایی متن و نگرش رهبری به موضوعات اصلی دارد. در سطح خوشه‌های معنایی نیز:

- مفاهیم مرتبط با دفاع و مقاومت: ۴۲ مورد

- مفاهیم مرتبط با ارزش‌های دینی: ۳۵ مورد

- مفاهیم مرتبط با رهبری و ساختار آن: ۳۲ مورد

- مفاهیم مرتبط با تهدید و تقابل با دشمن و انتقام: ۲۸ مورد

بسامد داشته‌اند. نکته جالب توجه اینکه:

- حدود ۴۰٪ از محتوای پیام ناظر به ملت ایران است.

- حدود ۳۰٪ از محتوای پیام در خصوص رزمندگان، جنگ و مقاومت است.

این توازن میان دین و سیاست (با بسامد برابر واژگان دینی و سیاسی) حاکی از تداوم گفتمان جمهوری اسلامی به‌عنوان ترکیبی از دین‌مداری و مردم‌سالاری دینی است.

۲-۲. ساختار، محتوا و سبک

- ساختار منظم و هدفمند

پیام با آیه قرآن و سلام به امام زمان(عج) آغاز شده تا مشروعیت دینی را یادآوری کند. سپس در ۷ بخش مجزا خطاب به مخاطبان کلیدی (ملت، رزمندگان، آسیب‌دیدگان، همسایگان، رهبر شهید، مراجع و مسئولان) تنظیم شده است. این نظم، وضوح و انسجام پیام را دوچندان کرده.

- محورهای محتوایی

*** مشروعیت‌سازی هوشمندانه:**

- تواضع در پذیرش مسئولیت «کاری سخت»
- تکریم رهبر شهید با توصیف «مشت گره‌کرده» و «کوه صلابت»
- تأکید بر رأی خبرگان برای اثبات قانونی بودن انتخاب

*** مردم‌باوری؛ هسته مرکزی تحلیل:**

- نوآوری کلیدی: تفسیر «حضور عمارگونه ملت» به عنوان جانشین نعمت از دست رفته (شهادت رهبر) با استناد به آیه نسخ
- تمجید از نقش مردم در رهبری کشور در روزهای بی‌رهبری
- توصیه راهبردی: توکل، وحدت، حضور در صحنه (تأکید بر راهپیمایی روز قدس)، یاری همدیگر

***راهبرد نظامی؛ قاطعیت و بازدارندگی:**

- تأکید بر بستن تنگه هرمز
- هشدار از گشودن جبهه‌های جدید که دشمن در آن آسیب‌پذیر است
- جبهه مقاومت (یمن، حزب‌الله، عراق) جزئی از هویت انقلاب
- اخطار به همسایگان: پایگاه‌های آمریکا را تعطیل کنید

*** همدردی و وعده انتقام:**

- همدردی عمیق با بازماندگان با ذکر تجربه شخصی (فقدان همسر، خواهر، برادرزاده)
- وعده قطعی انتقام از خون هر شهید، با حساسیت ویژه بر خون کودکان (ماجرای مدرسه میناب)
- غرامت‌گیری از دشمن و خدمات رایگان به مجروحان

*** سبک‌شناسی؛ ترکیب هنرمندانه**

- صلابت دینی در کنار عاطفه انسانی
- صراحت بی‌پرده در هشدارهای نظامی و انتقام
- استفاده از نمادهای قدرتمند مثل «مشت گره‌کرده» و «حضور عمارگونه»

*** نتیجه؛ ۵ هدف راهبردی پیام**

۱ .تحکیم مشروعیت رهبری جدید

۲ .ایجاد سرمایه اجتماعی با مرکزیت دادن به مردم

۳ .ترسیم خط قرمزهای نظامی (هرمز، جبهه‌های جدید، انتقام)

۴ .مدیریت افکار عمومی با تقسیم مخاطبان

۵ .ارسال پیام بازدارنده به دشمنان و همسایگان

فصل سوم: بازتاب‌های پیام در سطوح مختلف

۳-۱. بازتاب در بازارهای جهانی و اقتصاد بین‌الملل

نخستین پیام رهبری، بلافاصله پس از انتشار، شوکی جدی به بازارهای جهانی وارد کرد. تأکید بر بسته ماندن تنگه هرمز (آبراهی که حدود ۲۰ درصد از نفت مصرفی جهان از آن عبور می‌کند) باعث شد قیمت‌های جهانی نفت خام با جهشی حدود ۹ درصدی، دوباره به بالای مرز ۱۰۰ دلار در هر بشکه بازگردد. رسانه‌های بین‌المللی این پیام را یک «سیگنال سرسختانه و چالش‌برانگیز» ارزیابی کردند که امیدهای پیشین بازار برای تغییر نرم در رویکرد رهبری جدید را نقش بر آب کرد. این پیام به بازارها نشان داد که استراتژی تهران در این جنگ، تحمیل بالاترین هزینه ممکن به اقتصاد جهانی است تا از این طریق، ماشین جنگی آمریکا و متحدانش را مهار کرده و موازنه قدرت در منطقه را بازتعریف کند.

کارشناسان اقتصادی این رویداد را در آستانه «بزرگ‌ترین اختلال عرضه در تاریخ بازار جهانی نفت» ارزیابی کردند. اثر این پیام تنها به بازار نفت محدود نماند و موجی از وحشت را به وال‌استریت و بازارهای سهام جهانی فرستاد. شاخص‌های اصلی سهام در آمریکا (داوجونز، اس‌اندپی و نزدک) همگی بیش از یک درصد سقوط کردند؛ زیرا سرمایه‌گذاران خود را برای سناریوی تورم بالاتر و بلندمدت‌تر آماده می‌کردند.

۳-۲. بازتاب در عرصه اجتماعی و فرهنگی ایران

الف) احیای ارزش‌های دهه شصت

جنگ کنونی، جامعه ایران را به سوی نشاط دینی و انقلابی‌گری سوق داده است. این جنگ که ماهیتی وجودی و هویتی (جنگ خیر و شر، حق و باطل، ایمان و کفر) دارد، حیات توحیدی را در عمق جامعه بیدار کرده و خاطرات قدسی دهه شصت و دفاع مقدس را بازسازی نموده است. اجتماعات مردمی در این روزها و شب‌ها، همان طراوت جنبش مردمی در دهه شصت را دارند؛ گویا انقلاب و انقلابی‌گری، دوباره متولد شده و از عمق تاریخ سر برآورده است.

ب) کنش‌گری معناگرایانه در برابر عقل عافیت‌طلب

در شرایطی که عقل عافیت‌طلب به گریز و پناه‌بردن دعوت می‌کند، جامعه ایران با کنشی شگفت‌انگیز و حیرت‌آور در خیابان‌ها حاضر شده، شعارهای حماسی سر می‌دهد و از انقلاب دفاع می‌کند. این حضور خیابانی، همه معادلات و محاسبات عالم تجدد را درهم می‌شکند و نشان می‌دهد که وجه غالب جامعه، همچنان نسبت هویتی خود را با انقلاب حفظ کرده است. هواداری و حمایت در سایه بمباران شهری، نشان از ایمان حقیقی و باور راستین دارد و نمی‌توان ادعا کرد که نفع و بهره‌ای در میان است..

۳-۳. بازتاب در عرصه دیپلماسی و روابط منطقه‌ای

الف) دکترین «تأدیب بدون تصادم»

مقام معظم رهبری با ظرافت تمام، مرز بین «دشمن» و «همسایه» را مشخص می‌کند. تفکیک حکومت‌های وابسته از جغرافیای کشورهای همسایه، یک هوشمندی راهبردی است. ایران به دنبال جنگ با همسایگان نیست، بلکه در حال «جراحی غده‌های سرطانی» در منطقه است. لحن پیام نمایانگر «توصیه‌ای برخاسته از اقتدار» است. عبارت «دولت‌ها تکلیف خود را معلوم کنند»، نشان‌دهنده پایان عصر ابهام در سیاست خارجی است؛ پیام واضح است: صلح با ایران تنها از مسیر اخراج آمریکا می‌گذرد.

ب) گسل دولت-ملت

یکی از خلاقانه‌ترین بخش‌های پیام، مخاطب قرار دادن «ملت‌های منطقه» به جای «دولت‌های آن‌ها» است. این یک گسل راهبردی میان دولت‌های وابسته (که معمولاً دست نشانده هستند) و ملت‌های مسلمان (که ضدکفرند) ایجاد می‌کند. این یک «دعوت اجتماعی» از پایین به بالاست تا دولت‌ها را مجبور به تغییر رفتار کند. پیوند مفهوم «قدرت و ثروت» با «قطع وابستگی»، یک تحلیل کاملاً علمی از اقتصاد سیاسی است: وابستگی به آمریکا نه تنها امنیت نمی‌آورد، بلکه مانع توسعه اقتصادی ملی نیز هست.

۳-۴ بازتاب نخستین پیام رهبری در رسانه‌های مطرح دنیا

رویترز: رهبر عالی ایران در اولین اظهارات خود، سوگند یاد کرد که انتقام شهدا را خواهد گرفت و تنگه هرمز را بسته نگه خواهد داشت.

سی‌ان‌ان: آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای به آمریکا و اسرائیل هشدار داد که باید «غرامت» اقدامات خود را بپردازند.

بی‌بی‌سی: رهبر جدید ایران در اولین بیانیه منتشر شده متعهد به ادامه مسدود کردن تنگه هرمز شد؛ ایران انتقام شهروندان کشته‌شده در جنگ را خواهد گرفت.

بلومبرگ: رهبر ایران می‌گوید در صورت ادامه جنگ، جبهه‌های دیگری گشوده خواهد شد.

فرانس۲۴: رهبر جدید ایران خواستار «وحدت بین مردم» شد.

آسوشیتدپرس: رهبر ایران اولین بیانیه خود را صادر کرد و گفت که بستن تنگه هرمز باید به عنوان اهرم فشار مورد استفاده قرار گیرد.

یورونیوز: رهبر جدید ایران بر مسدود کردن تنگه هرمز تأکید کرد.

دویچه‌وله: رهبر ایران با افزایش قیمت نفت خواستار بستن تنگه هرمز شد.

الجزیره: رهبر ایران: اگر وضعیت به همین منوال ادامه پیدا کند، جبهه‌هایی فعال خواهند شد که دشمن در آن‌ها تجربه‌ای ندارد.

اسکای‌نیوز: تهدید تنگه هرمز و وعده انتقام، آن‌چه رهبر جدید در اولین سخنرانی خود گفت.

نیویورک تایمز: رهبر جدید ایران در اولین بیانیه خود با لحنی جسورانه اعلام کرد که ایران در جنگی که سراسر خاورمیانه را فراگرفته است، عقب‌نشینی نخواهد کرد.

فصل چهارم: هفت سرمایه اجتماعی (خوانشی مردم‌بنیاد از پیام)

اگر بخواهیم پیام را در قالب یک سفره هفت‌سین نوروزی تحلیل کنیم، هفت سرمایه اجتماعی و نمادین در آن گسترده شده است که ستون‌های استوار جامعه را تشکیل می‌دهند:

۱. **سرمایه معنا و ایمان:** جامعه‌ای که در دل حادثه، در میان داغ و فقدان، همچنان بر معنای راه تأکید کند، از ذخیره‌ای عمیق در جان خود برخوردار است. این سرمایه، اندوه را به استقامت و فقدان را به وفاداری تبدیل می‌کند.

۲. **سرمایه مشارکت:** مردمی که در صحنه هستند، تنها تماشاگر تاریخ نیستند؛ آنان نویسندگان آن هستند. حضور آنان همگرایی می‌آفریند و جامعه را به پیکری واحد تبدیل می‌کند.

۳. **سرمایه استقامت و صیانت از ارزش‌ها:** آنچه ملت‌ها را در برابر طوفان‌های تاریخ نگه می‌دارد، اعتماد به نفس جمعی و پایبندی به ارزش‌های هویت‌بخش است.

۴. **سرمایه همدلی و مواسات:** آنچه جامعه را از درون استوار نگه می‌دارد، نحوه مواجهه با رنج‌های یکدیگر است. همدلی، رشته نامرئی است که دل‌ها را به هم گره می‌زند.

۵. **سرمایه پیوند و ارتباط:** این پیوند هم در درون جامعه معنا می‌یابد و هم در ارتباط با پیرامون. این سرمایه، بازتابی از اعتماد ملی و توانایی جامعه برای گفتگو و تعامل است.

۶. **سرمایه استمرار راه:** تاریخ ملت‌ها پر از نام‌هایی است که با رفتنشان، راه را زنده‌تر کرده‌اند. این سرمایه اجازه نمی‌دهد حرکت یک ملت با فقدان اشخاص متوقف شود.

۷. **سرمایه حمایت و همبستگی ملی:** این سرمایه در جلوه‌های پرشکوه حضور مردم، در مراسم‌های جمعی، در هم‌صدایی‌ها و در بازتاب‌های گسترده در فضای مجازی خود را نشان می‌دهد.

فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی (تحلیل جامع اختصاصی)

پس از مطالعه و واکاوی عمیق نخستین پیام رهبر جدید انقلاب اسلامی و بازتاب‌های آن در سطوح مختلف، می‌توان به یک جمع‌بندی راهبردی دست یافت که فراتر از تحلیل‌های مرسوم، چشم‌انداز کلان نظام را ترسیم می‌کند:

۱. تداوم راهبردی با تکیه بر سه رکن اساسی

این پیام به‌وضوح نشان می‌دهد که راهبرد کلان انقلاب اسلامی، برخلاف تصور دشمنان، با تغییر افراد یا شرایط و بحران‌های داخلی و خارجی مانند جنگ رمضان، تضعیف نخواهد شد و انقلاب‌اسلامی با قدرت ایستاده است.

سه رکن اصلی این راهبرد عبارتند از:

وحدت رویه: تداوم خط امام و رهبری.

بازدارندگی فعال: استفاده از همه ظرفیت‌ها «نظامی، ژئوپلیتیکی، اطلاعاتی و اقتصادی» برای پشیمان کردن دشمن.

پشتیبانی مردمی: تکیه بر مردم و حمایت همه‌جانبه از آنان به‌عنوان پشتوانه اصلی قدرت.

۲. موضع قدرت جبهه مقاومت

پیام جدید، اعلام رسمی آغاز دورانی است که در آن «مقاومت» از فاز صرفاً تدافعی به فاز «پاکسازی منطقه‌ای» و جراحی غده‌های سرطانی وارد شده است. ایران دیگر صرفاً به دفع حمله اکتفا نمی‌کند، بلکه به دنبال تغییر معادلات قدرت در منطقه به نفع جبهه حق است.

۳. مهندسی عاطفی و اجتماعی هوشمندانه

یکی از بزرگترین دستاوردهای این پیام، مدیریت موفق «گذار از سوگ به عهد» بود و با پیوند زدن واقعه اخیر به حماسه عاشورا، انسجام درونی جبهه حق در بحرانی‌ترین لحظات حفظ شد.

۴. دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در سطح منطقه

مخاطب قرار دادن ملت‌های منطقه و ایجاد گسل میان آن‌ها و دولت‌های وابسته‌شان، یک ابتکار عمل در دیپلماسی عمومی بود. این رویکرد، قدرت نرم جمهوری اسلامی را در سطح منطقه به نمایش گذاشت و افق‌های جدیدی را برای بیداری ملت‌ها گشود.

۵. مردم‌بنیانی به‌عنوان هسته سخت قدرت

بسامد بالای واژه «مردم» در کنار تأکید بر نقش آنان در رهبری کشور در فقدان رهبر شهید، نشان داد که هسته سخت گفتمان رهبری جدید، بر پایه مردم استوار شده است. این یک باور عمیق و ریشه‌دار است که در عمل نیز خود را نشان داده است.

۶. صلابت در کنار عقلانیت و مصلحت‌سنجی

در سراسر پیام، ترکیبی از شجاعت و صلابت با عقلانیت و محاسبه دقیق دیده می‌شود. از تأکید بر تناسب در اقدام تلافی‌جویانه گرفته تا اشاره به «مصالح» در گشودن جبهه‌های جدید، همه نشان از محاسبه‌گر بودن و پرهیز از هیجان‌زدگی دارد.

سخن پایانی

در یک کلام، نخستین پیام رهبر جدید انقلاب اسلامی، اعلام تداوم قدرت، هوشیاری، وفاداری به آرمان‌ها و آمادگی کامل برای هر سناریویی در برابر دشمنان بود. این پیام ثابت کرد که خط، همان خط امام و رهبری است و صلابت، همان صلابت؛ با این تفاوت که اکنون این صلابت با هوشمندی و خلاقیتی همراه شده که می‌تواند موازنه قدرت در غرب آسیا را برای همیشه به نفع جبهه حق تغییر دهد. خون رهبر شهید، عزم ملت را برای ادامه راه و پیروزی نهایی جبهه‌ی حق پرفروغ‌تر از پیش کرد.